



۱۳ میزان روز تاریخ سازان جنبش مائوئیستی و جریان دموکراتیک نوین افغانستان را هر چه باشکوه‌تر تجلیل نمائیم

مردم سازندگان تاریخ اند و اندیشه داران گردانندگان تاریخ، تاریخ سیر فعالیت‌های انسان‌ها را در راستای بدست آوردن حواجی مادی و معنوی زندگی انسان رقم می‌زند و اندیشه‌داران نوعیت فعالیت‌های مردم را تسریع و تنظیم می‌بخشند که خود مستلزم ایجاد و اتخاذ اندیشه و تفکر است، تفکری که بتواند بر موازات تساوی حقوق اعاده کننده حق اکثریت تمام جامعه از اقلیت خالص باشد. اقلیت خالصی که با زور و جبر و داشتن قوه قهریه و جبریه حق اکثریت جامعه را بر پایه استثمار تحت انقیاد خود در می‌آورد.

وضعیت سیاسی، اجتماعی بخصوص اقتصاد نابسامان کشور ما در دهه ۶۰ قرن بیست مستلزم پیدایش چنین اندیشه و حرکت بود تا بتواند با پویایی بر ناتوانی‌های اقتصادی، نابسامانی‌های سیاسی و ناهنجاری‌های اجتماعی جامعه خط بطلان بکشد و در حاکمیت اقلیت نقطه پایان بگذارد. در چنین شرایط حساس اجتماعی رویونیوم مدرن از درون حزب کمونیست شوروی سر بلند نمود.

در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۵۶ رویونیوم مدرن خروشچفی بر حزب کمونیست شوروی مسلط گردید. تثبیت سلطه این رویونیوم بر حزب کمونیست شوروی به معنای تثبیت سلطه آن بر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز بود. نتیجه این شد که دولت شوروی به یک دولت سوسیال امپریالیستی مبدل گردد، و سرمایه‌داری، به شکل سرمایه‌داری دولتی، در آن احیاء گردد.

"حزب دموکراتیک خلق افغانستان" در ۱۰ جدی سال ۱۳۴۳ خورشیدی، با بلند نمودن شعار جامعه بدون طبقه بر پایه انقلاب ملی دموکراتیک و راه رشد غیر سرمایه داری، ادامه دهنده خط رویونیستی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان شد تا از آن طریق بتواند مردم افغانستان را در بند اندیشه‌های وابسته به سوسیال امپریالیزم شوروی نماید و منافع اقتصادی شوروی را در رقابت با همسویی با امپریالیزم غرب در افغانستان و منطقه تامین کند.

در این میان اندیشه دارانی در همراهی با آرمان مردم افغانستان تحت رهبری رفیق اکرم یاری پا به میدان سیاست گذاشتند. در ۱۳ میزان ۱۳۴۴ مطابق با ۵ اکتبر ۱۹۶۴ میلادی "سازمان جوانان مترقی" را بنیان گذاری نمودند، تا خط دهنده رهایی مردم شان از قید مناسبات فرتوت فیودالی و نابسامانی‌های اجتماعی که زاده جامعه عقب مانده شان بود در سیر تاریخ سیاسی شان باشند.

در آن زمان مبارزات حزب کمونیست چین، تحت رهبری مائوتسه دون، علیه رویونیوم مدرن خروشچفی به تازگی در سطح جنبش کمونیستی بین‌المللی علنی شده بود.

رفیق اکرم یاری اولین شخصیت مبارز انقلابی در افغانستان بود که به درستی توانست خط و مرز میان مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم (در آن زمان اندیشه مائوتسه دون) و رویونیوم مدرن خروشچفی بکشد و بنیان ایدیولوژیک - سیاسی اصولی کشوری و بین‌المللی برای راه‌اندازی حرکت ایدیولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی کمونیستی حقیقی و مستقل از "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" را به وجود آورد، و ماهیت حقیقی سوسیال امپریالیزم شوروی را افشاء نمایند. به این خاطر ما این روز را به عنوان روز بنیان گذاری جنبش مائوئیستی کشور تجلیل می‌نمائیم.

"سازمان جوانان مترقی" بر اصل رسالت‌پذیری که در قبال مردم داشت طبق فیصله نشست عمومی دوم خود در میزان ۱۳۴۶ خورشیدی **جریده شعله جاوید** را به عنوان ناشر اندیشه‌های دموکراتیک نوین روی دست گرفت و بدین طریق توانست هویت سیاسی و مرام تشکیلاتی خود را در سطح جامعه مطرح نماید. جریده شعله جاوید با مدیریت عبدالرحیم محمودی در ۱۴ اپریل

۱۹۶۸ به صورت قانونی با شعار ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین انتشار یافت و با یک موضع‌گیری اصولی ماهیت درونی تزه‌های رویزیونیستی سوسیال امپریالیزم روس و گروه‌های خلق و پرچم را در افغانستان افشاء نمود.

جریان شعله‌ جاوید، در تظاهرات تجلییه از روز بین‌المللی کارگر در یازدهم ثور ۱۳۴۷ خورشیدی (اول می ۱۹۶۸ میلادی)، برآمد سیاسی و مبارزاتی خود را علناً متبازر ساخت. به همین دلیل است که ما ۱۳ میزان ۱۳۴۴ خورشیدی را نه تنها روز بنیان‌گذاری جنبش مائوئیستی افغانستان، بل که روز بنیان‌گذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان نیز محسوب می‌نمائیم و به همین علت تحت این نام نیز این روز را تجلیل می‌کنیم.

افشای هویت ضد انقلابی حزب نام نهاد خلق که دقیقاً در شعله جاوید به معرفی گرفته شده بود بعد از کودتای ثور به کلی ظاهر و هویدا شد و تمامی فعالیت‌های سیاسی رژیم کودتا در انحصار سیاسی استبداد حزبی و انحطاط فکری خاتمه یافت.

از دیگر عمل‌کردهای مثبت توام با اشتباهات، سازمان جوانان مترقی که ثبت تاریخ جنبش روشنفکری افغانستان است حضور فعال و گسترده آن در اعتصابات و تظاهرات علنی جنبش روشنفکری و کارگری افغانستان در نیمه دوم دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی است که توانست نقش فعال و پویایی را در گفتمان روشنفکری و کارگری افغانستان ثبت نماید.

گسترش دامنه تظاهرات و اعتصابات علنی جنبش روشنفکری و کارگری افغانستان باعث گردید که در اوایل سال ۱۳۴۷ خورشیدی، جریده شعله جاوید پس از نشر ۱۱ شماره توقیف گردد و به تعقیب آن تظاهرات روشنفکری - کارگری تحت رهبری جریان دموکراتیک نوین افغانستان توسط «غند ضربه» پولیس ارتجاع ظاهرشاهی سرکوب و عده زیادی از روشنفکران و کارگران شعله بی به شمول کادرهای رهبری جریان دموکراتیک نوین افغانستان دستگیر و روانه زندان گردند. این کارها به خوبی ماهیت ددمنشانه امپریالیزم و ارتجاع علیه جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) و "سازمان جوانان مترقی" را به نمایش گذاشت.

کشته شدن یکی از رزمندگان فعال، شاعر توانای جریان دموکراتیک نوین (سیدال سخندان) در ۲۹ جوزای ۱۳۵۱ خورشیدی به دست مرتجع‌ترین فرد (گلبدین حکمتیار) زمینه‌ساز انشعاب در "سازمان جوانان مترقی" و جریان دموکراتیک نوین گردید. انتقادیون تحت رهبری داکتر فیض جای این که نکات ضعف، کمبودات و اشتباهات را نشانی نمایند و از آن گسست نمایند و خط درست و اصولی "سازمان جوانان مترقی" را تکامل دهند، راه انحراف و انحطاط را در پیش گرفتند و به اکونومیزم غلطیدند. در سوم عقرب ۱۳۵۱ خورشیدی طرح توطئه دیگری در هرات ریخته شد که در جریان تظاهرات شاگردان مکتب متوسطه موفق جلو خلقی، پرچمی‌ها را سد نموده و به زد و خورد پرداختند. این حرکت مشکوک باعث قتل یک تن از اعضای "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" گردید، این حرکت مشکوک باعث گردید تا جریان دموکراتیک نوین در هرات نیز به دو بخش انتقادیون و مدافعین تقسیم گردد. گرچه بخش انتقادیون هرات به دنبال داکتر فیض نرفتند و هیچ سند کتبی نیز ارائه نمودند، اما عملاً تمام حرف‌های گروه داکتر فیض را زمزمه می‌نمودند. تمام این حوادث زمانی اتفاق افتاد که رفیق اکرم بنا به مریضی از کار سیاسی خود را کنار کشیده بود و پاسیفیزم در سازمان مسلط گردیده بود.

گرچه رهبری "سازمان جوانان مترقی" به جواب نوشته "با طرد اپورتونیزم در راه انقلاب سرخ به پیش رویم"، زیر نام "انقلاب سرخ است یا اکونومیزم بورژوایی" پرداخت، اما نه تنها قادر نگردید بر مشکلات پدید آمده فایق آید، بل که در مقابل آن سپر انداخت. در نتیجه، سازمان به سرعت به طرف انحلال رفت، جریان فروپاشید، بخش اعظم منسوبین سازمان و جریان غیرفعال گردیدند و منحرفین اکونومیست که بخش عمده انتقادیون را تشکیل می‌دادند بر بخش‌های زیادی از فعالین باقیمانده جریان مسلط شدند. جریان دموکراتیک نوین که پراکنده شده و فروپاشیده بود نه تنها نتوانست از کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ داودخان، که به هم‌کاری فعال مزدوران تجدید نظر طلب سوسیال امپریالیست‌های شوروی و موافقت و هم‌کاری خود "شوروی‌ها" صورت گرفت، جلوگیری نماید، بلکه در مواجهه با استبداد داودخانی، که تحت نام و ماسک جمهوریت صورت می‌گرفت، بیشتر از پیش پراکنده و

متشنت گردید و بقایای آن به طرف انحرافات و انشعابات بیشتر پیش رفتند و در صحنه مبارزات سیاسی افغانستان بیشتر از پیش به حاشیه کشانده شدند.

اما: کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ توسط مزدوران رویونیست سوسیال امپریالیزم شوروی به هم کاری نزدیک مشاوران نظامی و قوای هوایی متجاوز "شوروی" و آغاز سرکوبگری های سبعانه وسیع و گسترده کودتاچیان علیه تمامی نیروهای سیاسی مخالف شان در افغانستان - به شمول منسوبین سابق "سازمان جوانان مترقی"، جریان دموکراتیک نوین و تشکلات برخاسته از متن آنها و حتی شعله‌یی های سابق غیرفعال و غیرمربوط به تشکلات موجود - باعث گردید که یکبار دیگر جنب و جوش مبارزاتی در میان بقایای جریان دموکراتیک نوین افغانستان به وجود آید و خواست عمومی برای وحدت بخش های مختلف بقایای جریان در میان آنها شکل بگیرد، با وجودی که این جنبش متشنت و پراکنده که ضرورت وحدت بخش های مختلف را در خود احساس کرده بود، نه از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی آماده مقابله اصولی با اشغالگران سوسیال امپریالیست و دست پروردگان شان را داشت و نه هم از لحاظ توان توده‌یی سازمان یافته و نظامی، ولی با همه احوال در مبارزه و مقاومت علیه رژیم کودتا و اشغالگران سوسیال امپریالیست دهها هزار نفر از رهبران و صفوف خود را قربانی داد. طبیعی بود که فرجام این نبرد جز شکست تلخ چیز دیگری نمی توانست باشد. زخم های این شکست تلخ آن چنان عمیق است که تا هم اکنون تازه و درد و سوز جان کاهش احساس می شود.

با تحمل قربانی ها، اینار و فداکاری های ده هزار از رهبران و رهروان سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین که در جنگ مقاومت علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست شان همت گماردند، جنب و جوش مبارزاتی را در میان بقایای جریان از خود بر جای گذاشت. تشکیل هسته کمونیست های افغانستان، به تعقیب تشکیل سازمان کمونیست های افغانستان، سپس تشکیل حزب کمونیست افغانستان در سال ۱۳۷۰ و در نهایت تشکیل حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و تصویب اساسنامه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اول می ۲۰۰۴ میلادی خود نمونه بارزی از جنب و جوش مبارزاتی و سازماندهی مجدد نیروهای متشنت و پراکنده جنبش در یک بدنه واحد، از جمله دستاوردهایی است که می توان بدان افتخار نمود.

در حال حاضر سلطه امپریالیزم بر افغانستان از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به طور عمده با سلطه قرون وسطی امارت اسلامی افغانستان که توسط امپریالیست های غدار به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ میلادی دوباره روی کار آمدند، متبلور گردیده است و از جانب دیگر تجاوز خرنده یک دولت ارتجاعی خارجی بنام داعش و گسترده شدن روز افزون دامنه اشغالگری و دهشت افکنی هایش را در افغانستان شاهد هستیم.

امارت اسلامی افغانستان و حامیان بین المللی اشغالگر یانکی به شمول دولت ارتجاعی خارجی داعش مجموعه ای از دشمنان عمده کشور را در حال حاضر تشکیل می دهند که آماج جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی کنونی و آینده در کشور هستند.

اکنون بر ما و میراث داران سازمان جوانان مترقی است که یاد بنیان گذاران با صلابت و صداقت خویش را که جان های شیرین شان را در راستای تحقق آرمان والای خود از دست داده اند، پاس بداریم و ادامه دهندگان راه پرفراز و نشیب آنان باشیم. بنیان گذارانی که با افتخار و سرفرازی از دروازه های تاریخ گذشتند و با خون خود مرگ و آزادی را با خط سرخ نوشتند و مسیر فردای نسل جوان را ترسیم نمودند.

ما در پنجاه و هفتمین سال یاد بنیان گذاری جریان دموکراتیک نوین افغانستان و جنبش مائوئیستی کشور، جنبشی که علی رغم ضربات پیهم وارده بر پیکرش در طی عمر مبارزاتی پنجاه و هفت ساله اش و جان باختن باربار کل جمع بزرگان و رهبران در مبارزه و مقاومت علیه امپریالیزم و ارتجاع هم چنان زنده است، نفس می کشد و در صحنه مبارزاتی کشور در خون خفته ما کماکان حضور دارد، به یاد تمام عزیزان جان باخته مان ادای احترام نموده و از تمامی رهروان سازمان جوانان مترقی، جریان دموکراتیک نوین افغانستان، شخصیت های مائوئیست کشور، سازمان ها، و تک تک رفقای عزیزی که درین راه دشوار همراه ما هستند مجدانه می طلبیم که در راه تامین وحدت یکپارچگی هم چنان پافشاری نمایند. ما درین روز تاریخی سیزدهم میزان، دوباره تجدید پیمان

می‌کنیم. در راهی که قدم نهاده ایم برای آزادی و استقلال کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان که امارت اسلامی افغانستان به شکل قرون وسطی بر آن حاکم گردیده است، از هیچ گونه سعی و تلاشی دریغ نخواهیم ورزید.

بیا بید این روز را هر چه با شکوه تر تجلیل نماییم.

بیا بید دست به دست هم داده، از هر گونه تفرقه و تشتت و پراگنده‌گی جنبش جلوگیری نماییم.

درفش حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، درفش وحدت دهنده تمامی مائوئیست های کشور است، بیا بید درین روز تاریخی و خجسته ممثل اراده و وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بیش تر و فشرده تر از قبل باشیم تا بتوانیم درین راه که قدم نهاده ایم با گام های متین و استوار در جهت تثبیت حضور و ارتقاء و گسترش فعالیت های مان به خاطر پاسداری از آرمان والای جان باختگان جنبش خود، بصورت درست، اصولی و رزمنده کار و پیکار نمائیم.

زنده، شگوف و پیش رونده باد یاد و خاطره جنبش دموکراتیک نوین در افغانستان!

خجسته باد سیزدهم میزان روز تاریخ سازان جنبش مائوئیستی و جریان دموکراتیک نوین افغانستان!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۱۳ میزان ۱۴۰۱ خورشیدی

۵ اکتوبر ۲۰۲۲ میلادی

www.cmpa.io

sholajawid2@hotmail.com